

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

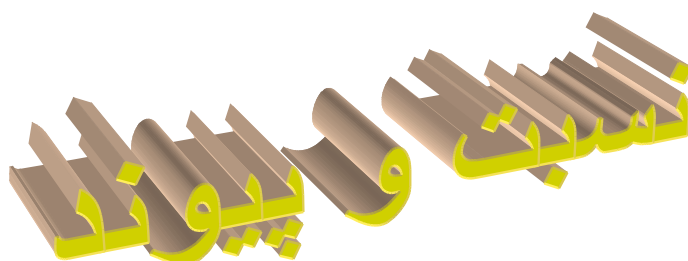
Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختار زاده

شهر اسن - آلمان

نزد هم می 2012



روح پدرم شاد ، که هنگام پریدن
آزرده دل زار مرا ، سخت شکستاند
هرچند دل ناشکنم سنگ و ز فولاد
از شوری دست و ز بد بخت شکستاند

دیدار ، نصیبم نشد و ، روز قیامت
یارب ! به حضور تو ، گریبان بدرانم
با آه جگرسوز ، که در سینه نهانست
این عدل ترا ، سخت به آتش بگشام

گفتی که کریم هستم و رحمان و رحیم
فَضَّالْم و ، مَتَّانْم و ، ستارم و عَقَّار
می بودی اگر ، جای من خسته رنجور
زین عدلی که داری ، بخدا میدی انکار

منبعد ، ترا ، خالق جبار بخوانم
ستار ، به اشراری و جبار ، به ابرار

گفتی که (نکوئی کن و در دجله بینداز)

انداختم و پس لگدی ها شدی بسیار

زین دست سخانی که مرا لطف نمودی

چند گشنه گدا سیر و ، کنون دشمن جانم

هر منصب و هر عزت و شهرت که نصیبند

از کیسه و خیرات من و ، گوشه خوانم

این بی سر و پاهای خیابانی و لگرد

ناخون جفا ، از جگرم کرده چرا رنگ

آئینه تقدیس ، که چون سینه مادر

پاداش محبت ، به سرم وار چرا سنگ

با ره بُریدند مرا شاخه امید

یارب تو بُر ، شاخه و هم ریشه ایشان

باشد که بدانند ، مرا چون تو خدانیست

دیگر نکنند مردم مظلوم ، پریشان

یارب چه شد آن عدل و کجا پُت شده فضلت

تا کی هدف تیر جفای کل و کورم

شاید که دم چشم ترا ، پرده گرفته

یا گوش ترا پنبه ز بخت بد و شورم

یارب تو ببخشا که کمی حاشیه رفتم

از فتنه و نیرگ زن و مرد دغلباز

از بس که شریر اند و شرارت شده پیشه

رقاصه به هر نغمه و آهنگ و به هر ساز

نه غیرتی دارند و نه احساس و نه همت

نه تربیت و نه ادبی ، جز دو و دشنام

نه منطق و عقلی که کمی فکر نمایند

نه شخصیت و نه شرف و عزت و نه نام

یارب ز سرک ، تا پچکش ، بر تو سپردم

خود دانی حساب کله و پاچه چی میشه

از گله و از رمه و نُخرازِ فضولش

از زیر و بم سُرنا و از از باجه چی میشه

منبعد بجز عاقل و فرزانه و دانا

با جاهل و بی پاس ، سر و کار نداریم
با جمله نمک خور نمکدان شکن دهر
در مرده و در زنده ، نخ و تار ندارم

«نعمت» پس ازین نسبت و پیوندِ خودش را
ببریدز مردان و زنانِ چتل اندیش
زیرا که حسادت به رگ و ریشه ایشان
با جهل عجین گشته و راکب به خر خویش

(شهر اسن - المان، هفدهم می 2012)